

تاریخ وصول: ۱۳۸۴/۹/۷

تاریخ تأیید: ۱۳۸۴/۱۲/۹

توسعه و شاخص توسعه منابع انسانی و بررسی وضعیت آن در ایران

حسن حسینی*

اندازه‌گیری ترکیبی سه ظرفیت اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی برای زندگی بهتر (تغذیه، درآمد و...) و برخورداری از عمر طولانی توأم با سلامتی است.

هدف ما در این مطالعه بررسی وضعیت ایران از نظر این شاخص‌هاست. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که رتبه ایران در شاخص‌های توسعه از جایگاه ۹۶ در سال ۱۳۷۹ به جایگاه ۹۸ در سال ۱۳۸۲ رسیده است، که افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه، بهبود شاخص تغذیه، افزایش شاخص امید به زندگی و نیز شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی در افزایش مقدار این شاخص تأثیر شایان توجهی داشته است. ولی به دلیل افزوده شدن ۱۱ کشور به لیست جهانی و افزایش جمعیت واقع در سن آموزش به ویژه سنین آموزش راهنمایی، متوسطه و دانشگاهی که حاصل باروری بالای ۲۰ سال گذشته در ایران است، نرخ ناخالص ثبت نام

چکیده: توسعه، روندی مداوم و فرایندی پویاست، مهم‌ترین مسئله در تعریف توسعه، نوع دید و نگرش آن به انسان است. در نظریات جدید توسعه، از قبیل توسعه انسانی، توسعه مشارکتی و ارتباطی، انسان به عنوان یک موجود متفکر که توانایی ایجاد تغییر در محیط زندگی و فعالیت خود را دارد، محور توسعه قلمداد می‌شود. زیرا توسعه در مورد انسان مفهوم می‌یابد و هدف نهایی آن هم رسانیدن انسان به مرحله‌ای است که وی از زندگی خود اظهار رضایت کند. توسعه انسانی با استفاده از شیوه‌های مشارکتی سعی می‌کند زمینه‌ای برای برطرف ساختن نیازهای اساسی (غذا، پوشاک و...) و نیل به زندگی شرافتمندانه از طریق تأمین آموزش، بهداشت، تغذیه و بارور ساختن و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسان ایجاد و تلاش می‌کند تا کیفیت زندگی فردی و اجتماعی را بهبود بخشد و با احترام به دانش‌ها و توانایی‌های او به وی امکان استفاده بهتر و بیشتر از زندگی را بدهد. این رویکرد در توسعه، اساس طراحی شاخص توسعه انسانی قرار گرفته است که به دنبال

*عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، سازمان مرکزی

- تغییر^۲: فرایندی قابل اندازه گیری در یک دوره کوتاه مدت که قصد آن تغییر ساختارها و نهادها برای زمینه سازی به سایر مراحل توسعه و نیز ترسیم آینده مطلوب برای جامعه است.

- تحول^۳: فرایندی که بعد از مرحله تغییر حادث می شود و در یک دوره بلند مدت نتیجه می دهد. در این مرحله، تغییر روابط اجتماعی و اقتصادی، رفتارها و نگرش ها در بین مردم و مسئولین مدنظر است.

- پیشرفت^۴: پویایی، تغییر و حرکت رو به جلو در گذر زمان و نتیجه نهایی تغییر و تحول است، که نتیجه عینی آن در کیفیت زندگی و رفاه جامعه دیده می شود (رکن الدین افتخاری، ۱۳۷۹).

مهمترین مسئله در تعریف توسعه، نوع دید آن راجع به انسان است. در این مورد باید در نظر داشت که توسعه چه دیدی از انسان به دست می دهد و نگرش آن به انسان چگونه است و هدف خود را بر چه مبنایی قرار می دهد. توسعه در حقیقت برای انسان و در مورد انسان است (Escap, 1996, P:2)، زیرا برای تبیین توسعه ابتدا باید انسان را با تمام جنبه های وجودی او به عنوان یک موجود متفکر که توانایی ایجاد تغییر در محیط زندگی و فعالیت خود را دارد بشناسیم و نیازهای او را تعریف نماییم، و هدف خود را الویت بخشیدن به نیازهای او قرار دهیم.

توسعه جدید توسعه ای است که به حقوق و منزلت انسان و مکان زندگی او توجه می کند (تفکر برنامه ریزی منطقه ای) و هدف نهایی آن هم رسانیدن انسان به مرحله ای است که وی از زندگی خود اظهار رضایت کند.

تحصیلی را به تدریج پایین آورده است و، به این ترتیب، تأثیر این شاخص در توسعه انسانی منفی بوده و رتبه کشور به جایگاه ۱۰۶ تنزل یافته است. در سطح ملی نیز تفاوت های استانی تا حد زیادی نگران کننده است.

کلیدواژه: توسعه انسانی، روش مشارکتی، شاخص های توسعه انسانی، تغذیه.

مقدمه

قبل از هر بحثی در مورد توسعه^۱، شناخت اجزای سازنده آن از نظر واژه شناسی ضروری است. واژه توسعه از دو جزء: De به معنی مخالفت، ناسازگاری و ضدیت، و Envelop به معنی چارچوب، ساختار، محافظ و پوشش تشکیل شده است. وقتی که این دو جزء را در یک ساختار ترکیبی استفاده می کنیم، مفهوم آن خروج از وضع نامطلوب به یک وضعیت مطلوب و روشن و شناخته شده است. بنابراین مفهوم توسعه را می توان گذر از حالتی به حالتی دیگر و یا عبور از مرحله ای به مرحله دیگر و تغییر ساختارهای موجود به یک ساختار کارآمد و منطبق با نیازهای جدید دانست.

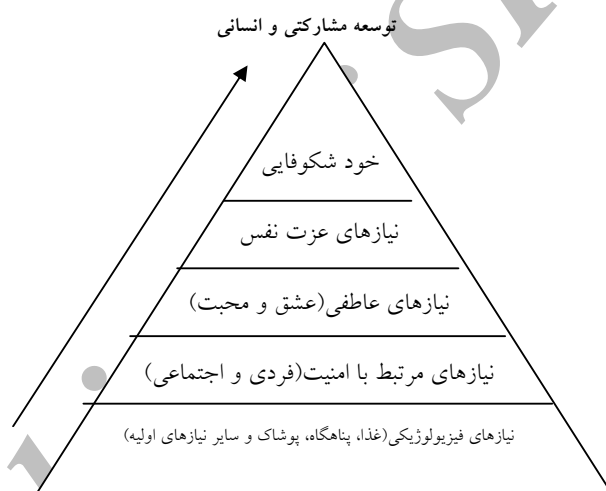
اصولاً وقتی پدیده ها به سمت بهتر شدن پیش می روند ما آن را توسعه تلقی می کنیم؛ زیرا در زندگی انسان رضایت بیشتری ایجاد می کند (هیران دی. یاس و بی. دیلیو. دی، ۱۳۶۸:ص ۱۷).

امروزه بعد از گذشت چندین دهه از توسعه صاحب نظران به این نتیجه رسیده اند که توسعه امری پویا، فراگیر و چند بعدی است که تمام جنبه های زندگی انسان را دربرمی گیرد و همگی به این نکته معتقدند که توسعه در ذات خود سه مفهوم اساسی زیر را ارائه می کند:

1. Development
2. Change
3. Evolution
4. Progress

۱. سلسله مراتب نیازهای انسان

نیازهای انسان به عنوان یک موجود که موضوع توسعه در مورد او مصداق می‌یابد، خیلی پیچیده است و طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد. روانشناسان و جامعه‌شناسان هر یک به فراخور رشته خود در این باره تحقیقاتی انجام داده‌اند که به دلیل پرهیز از تکرار فقط به یادآوری یک مورد از آنها می‌پردازیم. مازلو، نیازهای انسان را در یک سلسله مراتب (شکل ۱) به شرح زیر بیان کرده است: (سیف ۱۳۷۸، ص ۳۴۲).



شکل ۱: سلسله مراتب نیازهای انسان

می‌باشد. در زیر به نظرات تعدادی از دانشمندان و محققان درباره مفاهیم توسعه در قالب دو دید کلی می‌پردازیم:

• توسعه به مثابه رشد اقتصادی (تکنوکرات‌ها)

ملاحظات مربوط به توسعه نشان می‌دهد که بعضی آن را تنها در توسعه اقتصادی خلاصه کرده‌اند. گرچه توسعه اقتصادی از دو قرن پیش، یعنی از زمان شروع انقلاب صنعتی (که شاید ریشه‌هایش به رنسانس فکری اروپا برگردد) توانسته تأثیرات

از دیدگاه تفکر اسلامی انسان کانون آفرینش است و کمال معنوی او هدف اصلی خلقت به شمار می‌آید، وظیفه توسعه در این تفکر، ایجاد زمینه مناسب برای سیر انسان به سوی کمال مطلق و خدایی شدن است و توسعه انسانی نیز با این ایده معنوی سازگاری دارد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸: ص ۳۹). معیارهای مورد نظر توسعه از این دیدگاه به سه مورد بر می‌گردد:

- عقلانیت

- توسعه و برنامه‌ریزی

- افزایش بهره‌وری.

رفع و ارضای هر یک از این نیازها مشروط به تحقق نیازهای مرحله پایین‌تر است. نیازهای فیزیولوژیکی از جمله غذا، پوشاک، پناهگاه و ... پایه همه نیازهای انسان می‌باشد و تحقق آن می‌تواند به ایجاد زمینه مناسب برای تحول و توسعه منجر شود.

۲. تعاریف توسعه

توسعه نیز بمانند اکثر مفاهیم علمی دارای تفاوت‌های گسترده‌ای در مفاهیم خود است، که به دلیل گستردگی نیازهای جامعه، گستردگی زمینه کار و نیز تفاوت برداشت‌های صاحب‌نظران

تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۶۸، ص. ۱۱۵).

در تعریف ایشان مباحثی از قبیل فرهنگ سازی، توسعه نهادی و توجه به تغییرات همه جانبه به‌ویژه تغییر نگرش‌ها را در فرایند توسعه ضروری می‌داند. بروکفیلد در تعریف توسعه بیشتر به تأمین اهداف رفاهی جامعه می‌پردازد (ازکیا، ۱۳۶۶، ص. ۱۸).

ولتر رادنی از توسعه تعریفی کاملاً اقتصادی ارائه می‌دهد، وی می‌گوید: «زمانی جامعه به توسعه اقتصادی دست می‌یابد که همه افراد قدرت مواجهه خود را با طبیعت افزایش دهند و این قدرت بر وسعت دامنه درک آنها از قوانین طبیعت (علم)، میزان به‌کارگیری این درک از طریق ساخت ابزارها و شیوه سازماندهی کار مبتنی است» (فاضلی، ۱۳۷۶، ص. ۶۱).

تعداد دیگر از صاحب‌نظران مانند میردال، چمبرز، توسلی و ... بر جنبه‌های فقرزدایی و رفاهی توسعه توجه دارند. میردال منظور خود از توسعه را فرایند رهایی و دور شدن از فقر بیان می‌کند (میردال، گونار، ص. ۳۱۵). توسلی نیز توسعه را کاهش فقر و نابرابری، افزایش تولید و درآمد، کاهش بیکاری، تحول در کیفیت زندگی و رفاه همگانی می‌داند (توسلی، مصطفی، ۱۳۶۶، ص. ۹).

با توجه به تعاریف مطرح شده می‌توان گفت که: توسعه به معنی رشد شاخص‌های درآمد ملی نیست. موضوع آن درباره ضریب‌های پس‌انداز و سرمایه هم نیست. بلکه توسعه درباره مردم و برای مردم است. لذا ضروری است با تشخیص نیازهای انسانی آغاز شود. هدف نهایی توسعه باید بهبود سریع سطح زندگی همه افراد باشد. این امر

فوق‌العاده عمیقی در زندگی بشر، تولید و توزیع، صنعت، اطلاعات، تجارت، جمعیت و سایر پدیده‌های زندگی برجا گذارد، اما با توجه به واژه توسعه که کلمه‌ای عام و جامع است نباید آن را تنها در بعد اقتصادی خلاصه کرد.

آرتور لوئیس (Arthur Lewis) توسعه اقتصادی را فرایندی می‌داند که موجب افزایش درآمد سرانه در بلندمدت می‌شود. هیگینز (Higgins) توسعه اقتصادی را فرایندی می‌داند که اقتصاد از یک دوگانگی (بخشی سنتی و مدرن) به یک اقتصاد مدرن برسد.

سیمون کوزنتز (Simon Kuznets) توسعه اقتصادی را افزایش ظرفیت‌های تولیدی و تنوع در تولیدات یک جامعه بلند مدت می‌داند (طاهری، ۱۳۷۶، ص. ۱۲).

میرالدوین توسعه را فرایندی می‌داند که از آن راه، درآمد ملی و واقعی یک اقتصاد در طی مدت زمانی طولانی افزایش می‌یابد و اگر درجه توسعه از میزان ازدیاد جمعیت بیشتر باشد درآمد واقعی سرانه نیز افزایش می‌یابد (Baldwin, 1962).

• توسعه غیر از رشد

اتفیلد و ویکنز در تعریف توسعه می‌گویند: توسعه فرایندی جامع از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدفش بهبود مداوم زندگی تمامی جمعیت بوده و فعالیت، آزادی، مشارکت مناسب و توزیع عادلانه منافع از ارکان اساسی آن به‌شمار می‌آید (Atfield, R and Wilkins, B, 1992).

مایکل تودارو توسعه را امری چند بعدی می‌داند، که مستلزم ایجاد تغییرات اساسی در ساختارهای اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم، نهادهای ملی و نیز

۳. انسان: توسعه خود مردم، هم فردی و هم اجتماعی، درک پتانسیل کامل آنها، استفاده از مهارت‌ها و استعداد آنها و اجرای یک نقش سودمند در شکل‌دهی به جامعه.

توسعه نباید بر یک عنصر متمرکز شود بلکه باید بر سه عنصر فوق متمرکز شود. توسعه زمانی به وجود می‌آید که مردم بتوانند تصویری از خودشان بسازند. توسعه تجربه کردن آزادی در تصمیم‌گیری برای انجام کارهاست. توسعه بر انتقال کامل از یک جامعه سنتی و ماقبل به مدرن به اشکالی از سازمان اجتماعی دارای تکنولوژی برجسته دلالت دارد.

• توسعه به‌عنوان یک فرایند مطرح است که با هدف ایجاد رضایتمندی اجتماعی و فردی از زندگی باید بتواند اکثریت افراد جامعه مورد نظر را تحت پوشش خود قرار دهد تا اینکه موفقیت خود را بتواند تضمین کند. لازمه این امر جهت‌گیری خاص به نفع اقشار فقیر و کم‌درآمد و عقب‌مانده جامعه است.

با توجه به هرم نیازهای انسانی مازلو، می‌توان گفت که هر یک از مراتب نیازها، درحقیقت، خود نشان دهنده یک بُعد از توسعه است. پس توسعه بایستی به فراهم سازی نیازهای اولیه و اساسی (تغذیه و...) در جهت برطرف‌سازی نیازهای مراتب بالاتر (عاطفی، امنیتی، احساس عزت نفس) اقدام نماید. و، درنهایت، به هدف اصلی خود که شکوفایی استعدادهای انسان و بروز توانمندی‌های اوست منجر شود.

۳. ابعاد توسعه

درهم تنیدگی ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توسعه، ضرورت رویکرد

مستلزم رفع نیازهایی نظیر بیکاری، بهبود کیفیت نیروی کار، غذای بهتر و آموزش مناسب‌تر است.

• هدف همه فرایندهای توسعه، رفاه انسان است. بر این اساس، اگر توسعه در چهارچوب یک سیاست اجتماعی جامع که علت فقر و توسعه نیافتگی را مستقیماً مورد حمله قرار می‌دهد انجام نگیرد، دستیابی به یک راه‌حل دیرپا برای از میان بردن فقر پایدار در مناطق و اجتماعات، امکان پذیر نخواهد بود.

• در توسعه مردم مطرح‌اند نه آمارهای اقتصادی صرف، توسعه بر رفاه انسان متمرکز می‌شود نه بر سنجش ضریب سرمایه‌گذاری و نسبت سرمایه به تولید. بر این اساس تمرکز بر رفاه انسان نیازمند مطالعه او در یک منظر خاص اجتماعی است. از آنجا که هر جامعه‌ای فرهنگ و ویژگی‌های خاص خود را داراست، ضرورتاً توسعه نیز باید براساس آن ویژگی‌ها استوار باشد و تحقق یابد. براین اساس دوپویی (۱۳۷۴) معتقد است: «توجه به فرهنگ به عنوان نقطه شروع تغییر در جامعه به معنای استوار ساختن برهویت و ارزش‌های اخلاقی و معنوی ملت‌ها و ارتباط آن با محیط زیست طبیعی و انسانی است».

عناصر فرایند توسعه

در مجموع، فرایند توسعه سه عنصر اساسی را در بر می‌گیرد که عبارت‌اند از: اقتصاد، اجتماع، انسان.

۱. اقتصاد: توسعه اقتصاد یا تولید ثروت، اساس هر جامعه عبارت است از: تولید کالاها و مواد ضروری برای زندگی را تولید کند.

۲. اجتماع: تدارک دامنه‌ای از امکانات و خدمات اجتماعی از قبیل (بهداشت، تغذیه، آموزش، رفاه و...) که در جهت رفع نیازهای غیر مولد جامعه است.

مورد اول و دوم کامل تر می‌باشد، توسعه برحسب معیارهایی از قبیل درک بهتر فرایندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، شایستگی تفکر در حل مسائل روزمره زندگی، گسترش مهارت‌های دستی، کنترل بیشتر بر روی منابع اقتصادی، توجه به حیثیت انسانی و رابطه بین گروه‌های اجتماعی بر مبنای احترام متقابل و برابر سنجیده می‌شود.

۴-۳- توسعه پایدار^۹

توسعه نیازمند پایداری است و نباید تنها شامل ابعاد اقتصادی و فعالیت‌های اجتماعی انسان باشد. بلکه باید جمعیت، استفاده از منابع طبیعی و لحاظ کردن آثار توسعه در محیط زیست را نیز در برگیرد (الیوت، ۱۳۷۸، ص ۸).

اهمیت پایداری در فرایند توسعه تا جایی است که ولفگانگ زاکس می‌گوید: از این پس توسعه بدون پایداری و پایداری بدون توسعه وجود نخواهد داشت و این بیانگر پیوند نوینی است که توسعه از طریق این پیوند، شادابی و سرزندگی دوباره یافته است (بهرام‌زاده، ۱۳۸۳: ص ۲).

توسعه پایدار با ایده‌هایی مرتبط است که بر موضوعات مختلف در سطح جهانی متمرکز می‌شوند جهانی‌بیندیشیم و... Think Global و در جهت تبدیل آنها به هزاران فعالیت کوچک مقیاس و خرد ... و محلی عمل کنیم. (And Act Local) تلاش می‌کنند. که در این صورت علاوه بر رفع نیازهای روزافزون محلی، خواسته‌ها و آرزوها، منابع و ایدئولوژی و چالش‌های موجود در مباحث جهانی در مورد توسعه‌گرایی و محیط‌گرایی فعالیت

یکپارچه به این موضوع را مورد تأکید قرار دهد. اگر افزایش تولید ناخالص داخلی در یک کشور با افزایش فقر، بیکاری، بیماری و نابرابری همراه باشد، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه به مفهوم واقعی در آن جامعه رخ نداده است.

با توجه به طیف وسیع نیازها و نیز دیدگاه‌های مطرح شده در رابطه با تعاریف توسعه، محققین هریک بنا به زمینه علمی و ... از دید خاصی به آن نگریسته‌اند. به طور کلی جنبه‌های توسعه به شرح زیر هستند. (Allen.G.B, 1965, PP: 92-93):

۱-۳- توسعه اقتصادی^۶

منظور از توسعه اقتصادی بهره‌وری نیروی کار، کاهش سهم کشاورزی در کل تولید، استفاده بیشتر از تکنولوژی و رشد سریع درصد شهرنشینی است. این تفکر قدیمی‌ترین نظریه در امر توسعه است. این دید توسعه‌ای، بیشتر تقلیدی کورکورانه از غرب بوده، و بهترین الگوی توسعه کشورهای جهان سوم را کشورهای توسعه یافته غربی معرفی می‌نماید. مدل توسعه نوسازی در این مقوله قرار گیرد.

۲-۳- توسعه اقتصادی و اجتماعی^۷

در این تفکر، علاوه بر ایجاد ظرفیت‌های اقتصادی به شاخص‌های عدالت اجتماعی مانند: توزیع مجدد منابع تولید، ثروت، کاهش فقر، تغذیه کافی، امید به زندگی، تأمین حداقل زندگی و، درنهایت، به کاهش اختلاف طبقات اجتماعی نیز توجه می‌شود. این نظریه از دهه ۱۹۷۰ مطرح گردید.

۳-۳- توسعه سیاسی اقتصادی و اجتماعی^۸

در این بخش از نظریه‌های توسعه که نسبت به دو

6. Economic Development

7. Social And Economical Development

8. Political - Social And Economical Development

9. Sustainable Development

می‌نماید. (Overton, 1999: p3).

یکی از کامل‌ترین تعاریف از توسعه پایدار که دارای اجماع در بین محققین توسعه نیز هست تعریف کمسیون برانت‌لند می‌باشد، کمسیون توسعه پایدار را چنین ارائه می‌دهد: «توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای فعلی جامعه را بدون به خطر انداختن امکانات و توانایی‌های نسل‌های آتی برای رفع نیازهای خود، برطرف می‌کند» (Avijit, 1998: p98).

در تعریف فوق که شناخته شده‌ترین تعریف از توسعه پایدار است، مفاهیم کلیدی مهم زیر به چشم می‌خورد: «توسعه Development، نیازهای اساسی Basic Needs، مصالحه و عدم مخاطره انداختن کیفیت محیط زیست (Overton, 1999, p:3)»

اهداف اقتصادی



شکل ۲. ابعاد توسعه پایدار

اهداف اجتماعی اهداف زیست محیطی

- ۱- عدالت و برابری SD
- ۱- مدیریت منابع طبیعی، ۲- فقر زدایی، ۳- اکوسیستم سالم،
- ۴- مشارکت و تحرک اجتماعی، ۵- افزایش قابلیت و نگهداری،
- ۶- ارتباط اجتماعی، ۷- تنوع زیستی،
- ۸- بهبود قوانین و سیاستها، ۹- مسائل جهانی،
- ۱۰- هویت فرهنگی،

مأخذ: Darkakis, D& Smit, 1995

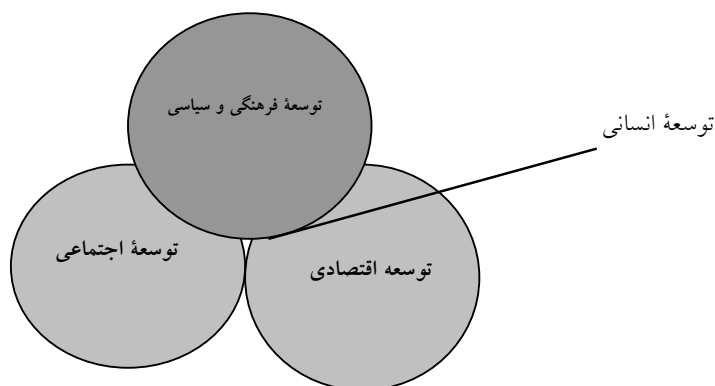
توجه عمده آن بر انسان، رفع نیازهای اساسی او، رفاه اجتماعی و در نهایت توسعه انسانی می‌باشد (شکل ۳).

۴. توسعه انسانی

در دهه ۱۹۹۰ سازمان ملل متحد گزارش مبسوطی از وضعیت توسعه تمامی کشورها را در قالب گزارش‌های توسعه انسانی^{۱۱} ارائه کرده است که

10. People-centerd

11. Human Development Report



شکل ۳. توسعه انسانی، به عنوان یک استراتژی توسعه‌ای یکپارچه

- نصف کردن تعداد افرادی که درآمد آنها کمتر از یک دلار در روز است.

- نصف کردن بخشی از افراد که از گرسنگی رنج می‌برند.

در دهه ۱۹۹۰ و بعد از آن، منظور از توسعه، توسعه پایدار منابع انسانی است (شکل ۴). در این تفکر اصلی‌ترین عامل توسعه هر کشور/ منطقه را انسان و مهارت‌های او تشکیل می‌دهد. مفهوم توسعه انسانی با توسعه منابع انسانی تفاوت دارد. در واقع، توسعه انسانی مفهوم عام و گسترده است که توسعه منابع انسانی را نیز دربرمی‌گیرد.

در توسعه انسانی، انسان هدف است نه وسیله، ولی در توسعه منابع انسانی، انسان ابزاری است که برای افزایش تولید کالا و خدمات مورد توجه قرار می‌گیرد.

عناصر اساسی در الگوی توسعه انسانی عبارت‌اند از: بهره‌وری، برابری، پایایی و توانمندسازی.

بهره‌وری: در قالب این الگو، مشارکت فعال مردم در فرایند درآمدزایی و اشتغال به شمار می‌آید.

برابری: به امکان مساوی کسب قابلیت‌ها و فرصت به کارگیری آنها مربوط می‌شود.

پایایی: به مفهوم امکان ذخیره و جبران هر نوع سرمایه فیزیکی، انسانی و زیست‌محیطی است.

توسعه انسانی بیانگر این نکته است که درآمد، همه زندگی انسان نیست و پیشرفت انسانی جوامع را نمی‌توان با معیار پول سنجید و رسیدن به زندگی شرافتمندانه، ثمره پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسان است، ظرفیت‌هایی که به بشر امکان استفاده بهتر و بیشتر از زندگی را می‌دهد.

این رویکرد در توسعه، اساس طراحی شاخص توسعه انسانی قرار گرفته است که به دنبال اندازه‌گیری ترکیبی سه ظرفیت اساسی، کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی برای زندگی بهتر و برخورداری از عمر طولانی توأم با سلامتی است (UNDP, 2003).

پس توسعه انسانی ایجاد محیطی است که مردم را قادر سازد استعدادهای خود را به صورت کامل بارور کنند. بنابراین، می‌توان گفت که توسعه انسانی گسترش انتخاب انسان‌هاست. اساس گسترش انتخاب‌ها، ایجاد توانایی‌ها یا توانمندسازی انسان است.

رفع گرسنگی، افزایش درآمدها، بهبود بهداشت، دسترسی به آب سالم و ارتقای آموزش از جمله اهداف عالی پیمان توسعه هزاره است (UNDP, 13).

از این بین، یکی از هفت هدف اصلی این پیمان رفع گرسنگی است به طوری که در افق سال‌های (۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵) موارد زیر پیش‌بینی شده است:

اطلاعات، و ...
 ۲. به کارگیری منابع انسانی برای افزایش میزان بهره‌وری و تولید نهایی و ...
 ۳. زمینه سازی برای افزایش سطح مشارکت مردم در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه، که متضمن مصرف منابع انسانی و تلاش برای استفاده بهینه از افزایش تولید نهایی در جهت بالا بردن کیفیت زندگی مردم است.» (Escap2,1996)

توانمندسازی نیز به این معنی به کار رفته است که توسعه توسط مردم صورت پذیرد. اسکاپ^{۱۲} نیز توسعه منابع انسانی^{۱۳} را به شرح زیر تعریف می‌کند « توسعه منابع انسانی فرایندی پویاست که اهداف زیر را برای نیل به توسعه و رفاه پایداری اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد:

۱. سرمایه‌گذاری در منابع انسانی برای توانمندسازی مردم از طریق ارتقای سطح آگاهی‌ها، دانش و



شکل ۴. توسعه مبتنی بر توسعه پایدار منابع انسانی

مناسب، آموزش و بهداشت پایه و دستیابی به بازارهای خارجی.
 اگر کشوری در یک یا چند مورد یاد شده به دلیل مشکلات ساختاری به حد مورد نظر نرسد (مثل شیوع بیماری‌ها، مکان دور از بازار جهانی، یا به خصوص خاک نامناسب و تولید پایین مواد غذایی یا استعداد فراوان برای فجایع طبیعی) در دام فقر خواهد افتاد و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار به وقوع نخواهد پیوست.

۵. توسعه انسانی در بیانیه پیمان توسعه هزاره می‌دانیم که توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی مفاهیمی نسبی هستند. در اینجا به مفاهیم توسعه انسانی با تأکید بر پیمان توسعه هزاره می‌پردازیم. بسیاری از فقیرترین کشورها و مناطق جهان، با موانع ساختاری مواجه‌اند که دستیابی به رشد اقتصادی پایدار را بسیار دشوار کرده است. بنابراین تصادفی نیست که آنها فقیرترین مردم جهان هستند. رشد پایدار، نیازمند این است که کشورها ابتدا در بعضی از جنبه‌ها، آستانه‌های پایداری را به دست آورند از قبیل مدیریت اقتصادی مناسب، تغذیه

12. Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (ESCAP)
 13. Human Resource development

نمی‌تواند بدون بهبود اساسی آموزش، تغذیه و بهداشت، پایدار باشد.

۶. از توسعه انسانی به رشد اقتصادی و برعکس

آموزش، تغذیه و بهداشت خوب برای زندگی مردم ارزش ذاتی دارد. این سه ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. آموزش به بهبود بهداشت و تغذیه کمک می‌کند و بهداشت و تغذیه مناسب به آموزش بهتر یاری می‌رساند. علاوه بر این، آموزش به رشد اقتصادی کمک می‌کند و درآمد افراد فقیر را بالا می‌برد. بهبود بهداشت، نیز بازده اقتصادی قابل توجهی ایجاد می‌کند و در نهایت هر دوی اینها به بهبود تغذیه کمک می‌کنند.

رشد متوسط درآمد سرانه چند کشور در حال توسعه را بین ۱۹۶۵ و ۱۹۹۵ در نظر بگیرید که بر اساس نرخ مرگ و میر کودکان و درآمد، طبقه‌بندی شده‌اند از مرگ و میر کودکان، نماینده کلی تمام بیماری‌هاست. کشورهایی که درآمد سرانه زیر ۷۵۰ دلار (برحسب دلار ثابت ۱۹۹۰ که با برابری قدرت خرید تعدیل می‌شود) و نرخ مرگ و میر کودکان بیش از ۱۵۰ در ۱۰۰۰ کودک دارند، به طور متوسط ۱ درصد در سال رشد کرده‌اند، در حالی که این رشد برای نرخ‌های ۱۰۰ تا ۱۵۰ کودک به طور متوسط، ۱ درصد در سال است و برای نرخ‌های زیر ۱۰۰ در ۱۰۰۰ کودک، رشد درآمد به طور متوسط ۳/۷ درصد در سال است.

کشورهایی که درآمد سرانه آنها ۷۵۰ تا ۱۰۰۰ دلار و نرخ مرگ و میر کودکان بیش از ۱۵۰ کودک است، متوسط نرخ رشد ۰/۷ درصد در سال است. در مورد نرخ مرگ و میر ۱۰۰ تا ۱۵۰ کودک، رشد متوسط سالانه درآمد ۱/۱ درصد و برای نرخ‌های زیر ۱۰۰، متوسط نرخ رشد سالانه درآمد، ۳/۴ درصد

از آنجا که این کشورها با مشکلات فراوانی مواجه اند و منابع محدودی دارند نمی‌توانند به معیارهای رشد مورد نظر دست یابند. بنابراین، نیازمند کمک‌های خارجی هستند.

به دو دلیل، رشد اقتصادی برای تحقق اهداف توسعه هزاره ضروری است:

– اول، رشد اقتصادی به طور مستقیم فقر درآمدی و غذایی بسیاری از خانوارها را کاهش می‌دهد، پس‌انداز آنها را افزایش می‌دهد و منابع را برای سرمایه‌گذاری در توسعه انسانی آزاد می‌کند (اولین هدف از اهداف توسعه هزاره)

– دوم، رشد اقتصادی، درآمد دولت را افزایش می‌دهد. از آنجا که بخش اعظم سرمایه‌گذاری در توسعه انسانی (بهداشت، تغذیه، آموزش و ...) از بحث‌های عمومی حاصل می‌شود و دارای ویژگی سودگرایی نیست، به منابع مالی زیادی برای تحقق توسعه نیاز است، با این وجود، علی‌رغم اینکه رشد اقتصادی برای افزایش مخارج عمومی در توسعه انسانی لازم است، کافی نیست. بعضی از دولت‌ها از چنین سرمایه‌گذاری غفلت می‌کنند یا در توزیع منابع بین گروه‌های مختلف، تبعیض قایل می‌شوند. به این ترتیب، مزایای بالقوه رشد اقتصادی کلی برای تحقق اهداف توسعه ضعیف می‌شود.

در گزارش‌های توسعه انسانی قبلی از واژه «رشدی بیرحم» برای توصیف رشدی استفاده شده است که به فقرا و افراد درحاشیه و مناطق دور از مرکز نمی‌رسند، به دلیل اینکه خانواده‌های ثروتمندتر بخش قابل ملاحظه‌ای از افزایش درآمد را به خود اختصاص می‌دهند و همچنین به دلیل اینکه درآمد اضافی را در توسعه انسانی ضروری برای فقرا به کار نمی‌گیرند و همان‌طور که گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهد، رشد اقتصادی

علاوه بر اینکه منبع دانش و اطلاعات است، باعث گسترش بهداشت و افزایش به‌کارگیری از خدمات بهداشتی می‌شود. آب سالم و فاضلاب متناسب، نتایج بهداشت را تعیین می‌کنند.

برای ریشه‌کنی گرسنگی، تغذیه نامناسب، بیماری و بیسوادی و برای افزایش توانایی‌های بشر، ایده تأثیرات هم‌افزایی سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی از اولویت برخوردار است.

برای اینکه از تأثیرات هم‌افزایی در میان خدمات اجتماعی پایه بیشترین بهره را ببریم، تمرکز بر آموزش ابتدایی همگانی، به خصوص برای دخترها از اهمیت اساسی برخوردار است. اما اجرای این امر، مستلزم اقدامات بهداشتی و توجه به برابری جنسیتی زن و مرد است.

۸- توسعه مشارکتی

در جدیدترین استراتژی توسعه که به عنوان توسعه مشارکتی مطرح است (شکل ۵) و رابطه بسیار محکمی بین این تفکر و توسعه پایدار انسانی دیده می‌شود، مشارکت بخش‌های دولتی و خصوصی در جهت نیل به توسعه اجتماعی اهمیت می‌یابد. این استراتژی به دنبال رفع نارسایی‌های برنامه‌های توسعه در زمینه افزایش رفاه، کاهش فقر و گرسنگی و کاستن از رنج‌های زندگی فقرا می‌باشد که بیشتر در قالب برنامه‌های رفاهی و فقرزدایی اجرا می‌شده است. این استراتژی به دنبال رفع نقایص زیر به عنوان عوامل اصلی توسعه نیافتگی کشورهای در

حال توسعه است:

۱. فقدان پیوستگی بین اجزای برنامه‌ها و مراحل آنها
۲. حاکمیت تفکر بخشی در تنظیم و اجرای برنامه‌ها
۳. نارسایی‌های سازمانی و ناکارآمدی اداری

است. بنابراین، بعد از به حساب آوردن درآمدهای اولیه، کشورهای بهداشتی بهتری داشته‌اند، در دستیابی به رشد بالا موفق‌تر بوده‌اند. علاوه بر این، رشد اقتصادی منابع بیشتری را برای سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت فراهم می‌آورد (همان‌گونه که گفتیم این سرمایه‌گذاری به رشد بالاتر کمک می‌کند). این ارتباط دو طرفه بین توسعه انسانی و رشد اقتصادی بیانگر چرخه مثبتی است. با توسعه انسانی خوب، رشد اقتصادی ارتقا می‌یابد که به نوبه خود، توسعه انسانی را گسترش می‌دهد. با این حال رابطه یاد شده نشانگر دور باطلی نیز هست که در آن توسعه انسانی ضعیف به تنزل اقتصادی کمک می‌کند و به تخریب بیشتر توسعه انسانی می‌انجامد. برای بسیاری از کشورها دستیابی به اهداف توسعه هزاره نیازمند خروج از این دور باطل (دام فقر) و ورود به چرخه مثبت است.

۷. پیمان توسعه هزاره

در پیمان توسعه هزاره، اولین و مهم‌ترین سیاست برای فقرزدایی از کشورهای که اولویت فوق‌العاده‌ای دارند، سرمایه‌گذاری در امور بهداشت، تغذیه و آموزش است. این سرمایه‌گذاری‌ها در رشد اقتصادی نیز تأثیر می‌گذارند که بازده آن توسعه انسانی است.

تحصیلات، بهداشت، تغذیه و آب و فاضلاب مکمل یکدیگرند و سرمایه‌گذاری در هر کدام باعث افزایش کارایی دیگری می‌شود. در واقع، به موازات سرمایه‌گذاری برای تحقق اهداف توسعه هزاره، سیاست‌گذاران باید بتواند تأثیرات تلفیقی را در میان بسیاری از جنبه‌های توسعه انسانی تشخیص دهند.

در پیمان توسعه هزاره، آموزش، بر تمامی جنبه‌های توسعه انسانی تأثیر می‌گذارد. آموزش

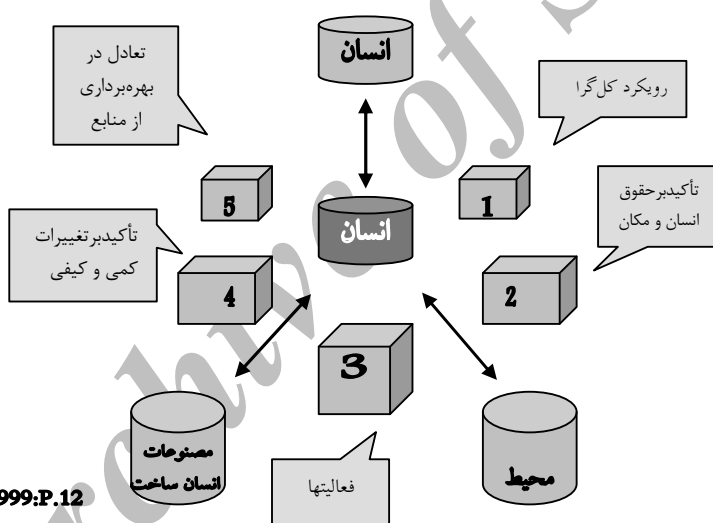
۱. کارآیی^{۱۴}

۲. برابری^{۱۵}

۳. قدرت دهی به مردم^{۱۶}

البته می‌توان گفت که در توسعه مشارکتی هم مشارکت فردی و اجتماعی و هم مشارکت دادن به مکان‌ها و مناطق یک کشور اهمیت دارد (توجه به آمایش سرزمین). البته از این مفهوم می‌توان این برداشت را استناد نمود که توسعه مشارکتی نوعی توسعه منطقه‌ای است که در آن حقوق مردم و مکان‌ها در نظر گرفته می‌شوند (شکل ۵).

سه هدف عمده توسعه مشارکتی از نظر آپهاف (Uphoff) به شرح زیر می‌باشد.



Source : Mohammad, 1999:P.12

شکل ۵. دکترین توسعه مشارکتی با تأکید بر توسعه پایدار

کشورهای دارای توسعه انسانی بالا که دامنه مقدار شاخص مذکور در آنها بین حداقل ۰/۸۰۰ و حداکثر ۰/۹۴۲ محاسبه شده است، سهمی برابر با ۳۰/۶ درصد از کشورهای جهان را در برمی‌گیرند. در گروه توسعه انسانی پایین ۳۶ کشور واقع شده‌اند که مقدار شاخص در آنها بین حداقل ۰/۲۷۵ و حداکثر ۰/۴۹۹ است (جدول ۱).

۹. شاخص‌های توسعه انسانی و ایران

دامنه تغییرات شاخص توسعه انسانی در بین کشورهای مختلف بسیار وسیع بوده و به خوبی نشان می‌دهد که شکاف موجود بین سطوح توسعه انسانی کشورها بسیار عمیق است. همان‌طور که ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهد نزدیک به ۴۹ درصد از کشورهای دارای شاخص توسعه انسانی متوسط هستند که ایران نیز در همین گروه قرار می‌گیرد.

جدول ۱. فراوانی کشورها بر حسب سطوح شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۰۰ میلادی

دامنه شاخص	درصد	تعداد	سطوح توسعه انسانی
(۰/۹۴۲-۰/۸۰۰)	۳۰/۶	۵۳	کشورهای دارای توسعه انسانی بالا
(۰/۷۹۵-۰/۵۱۱)	۴۸/۶	۸۴	کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط
(۰/۴۹۹-۰/۲۷۵)	۲۰/۸	۳۶	کشورهای دارای توسعه انسانی پایین
(۰/۹۴۲-۰/۲۷۵)	۱۰۰/۰	۱۷۳	جمع کل

در سن آموزش، به ویژه سنین آموزش راهنمایی، متوسطه و دانشگاهی که حاصل باروری بالای بیست سال گذشته در ایران است، نرخ ناخالص ثبت نام تحصیلی را به تدریج پایین آورده است و به این ترتیب تأثیر این شاخص در توسعه انسانی منفی بوده است. روند تغییرات شاخص توسعه انسانی و اجزای ترکیبی آن در جدول شماره ۲ و نمودار شماره یک ارائه شده است.

بررسی تغییرات شاخص توسعه انسانی در ایران بیانگر افزایش آرام و تدریجی این شاخص از ۰/۷۱۱ در سال ۱۳۷۶ به ۰/۷۲۵ در سال ۱۳۸۰ است و در سال ۱۳۸۳ تا ۷۱۹٪ کاهش نشان می‌دهد. افزایش شاخص امید به زندگی و نیز شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی (بر حسب برابری قدرت خرید ریال با دلار) در افزایش مقدار این شاخص تأثیر قابل توجهی داشته است. افزایش جمعیت واقع

جدول ۲. شاخص توسعه انسانی در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۰

سال	شاخص امید به زندگی	شاخص آموزش	شاخص تولید ناخالص داخلی	شاخص توسعه انسانی	رتبه
۱۳۷۶	۰/۷۴۲	۰/۷۲۹	۰/۶۶۱	۰/۷۱۱	
۱۳۷۷	۰/۷۴۲	۰/۷۳۰	۰/۶۶۲	۰/۷۱۱	
۱۳۷۸	۰/۷۴۲	۰/۷۳۳	۰/۶۶۳	۰/۷۱۳	
۱۳۷۹	۰/۷۶۰	۰/۷۳۹	۰/۶۷۱	۰/۷۲۳	۹۰
۱۳۸۰	۰/۷۶۷	۰/۷۲۹	۰/۶۸۰	۰/۷۲۵	۹۸
۱۳۸۲	×	×	×	۰/۷۲۱	۹۸
۱۳۸۳	۰/۷۵	۰/۷۳	۰/۷۳	۰/۷۱۹	۱۰۶

مأخذ: دفتر اقتصاد کلان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بر اساس داده‌های گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲

بدو تولد در افزایش شاخص تولید انسانی ایران مؤثر بوده است. هرچند مقایسه رتبه ایران در توسعه انسانی نشان می‌دهد که با افزایش مقدار این شاخص رتبه ایران از ۹۰ در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۹) به ۹۸ در سال ۲۰۰۰ (۱۳۸۰) نزول کرده است. در

بر اساس نتایج به دست آمده از گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲، ایران با شاخص توسعه انسانی ۰/۷۲۱ در رتبه ۹۸ و در گروه کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط قرار می‌گیرد. افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه و نیز امید به زندگی در

دوپویی، گزاویه، فرهنگ توسعه، ترجمه فاطمه فراهانی و عبدالمجید زرین قلم، تهران، انتشارات ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۴.

Allen.G.B; Japan Economic Expansion, London, Oxford University Press, 1965.

Atfield, Robin and Wilkins, Barry; International Justice and the Third World; London, Rutledge, 1992.

Avijit, Gupta; Ecology and Development in Third World, Second Edition, London, Rutledge, 1998.

Baldwin, Meier, Economic Development, New York, 1962.

Escap, Showing The: Way Methodologies for Successful Rural Poverty Alleviation Projects; Bangkok, ESCAP, 1996.

Lütteken. A and Hagedorn.k; Concepts and Issues of Sustainability in Countries in Transition- An Institutional Concept of Sustainability As a Basic For the Network, Berlin, Humboldt University, 2001, Internet.

Mohammad bin Zainuddin (1999), integrated rural planning and development approach the Malaysian experience, Congress paper 27 th.

UNDP;

Millennium Development Goals: A Compact among Nations to End Human Poverty, Overview, 2002, P.6.

(www.undp.org)

Uphoff, N; Fitting Projects To People in Cernea, M.M.(ed) Putting people First: Sociological Variables in Rural Development, New York, Oxford University Press.

Zaslow, marha And et al: Welfare Reform And Children: Potential Implications, Number A-23 in Series, New Federalism.org).

([www.http://newfederalism](http://www.newfederalism.org)). ■

آخرین گزارش توسعه انسانی رتبه ایران ۱۰۶ و در بین کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط قرار دارد و دلیل آن این است که طی این دوره (۱۳۸۰-۱۳۸۳) تعداد ۱۱ کشور به لیست محاسبات شاخص توسعه انسانی اضافه شده است که از آن میان هشت کشور رتبه توسعه انسانی بالاتر از ایران را دارا بوده‌اند.

از میان کشورهای رتبه آنها بالاتر از جمهوری اسلامی ایران است می‌توان بحرین (رتبه ۳۹)، عربستان سعودی (رتبه ۷۱)، لبنان (رتبه ۷۵)، ترکیه (رتبه ۸۵)، آذربایجان (رتبه ۸۸)، و ازبکستان (رتبه ۹۵) را نام برد. از سوی دیگر اندونزی (رتبه ۱۱۰)، مصر (رتبه ۱۱۵)، هندوستان (رتبه ۱۲۴)، و پاکستان (رتبه ۱۳۸)، از جمله کشورهای هستند که رتبه آنها در شاخص توسعه انسانی از ایران پایین‌تر است.

منابع

افتخاری، رکن‌الدین، نظریه‌های توسعه روستایی (جزوه منتشر نشده)؛ دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۸.

آ. پی. میسرا، گزینه‌های توسعه روستایی؛ سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۷، تهران.

سازمان جهاد سازندگی، اعتبار برای توسعه روستایی؛ سلسله انتشارات روستا و توسعه، تهران.

سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۸)، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، تهران.

طاهری، شهنام، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، تهران، نشر آزمون، ۱۳۷۶، ص ۱۲.

گونار، میردال، طرحی برای مبارزه با فقر جهانی؛ ترجمه بابک قهرمان، تهران، ۱۳۷۵.

پرداز می‌مقدم، سعیده، سطح‌بندی استانهای کشور بر اساس شاخص‌های توسعه، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۸۲.